

برای پشت سر گذاشتن گذشته‌ها

بالاخره پس از چند ماه کش و قوس دولت ترکیه اجازه داد که موضوع قتل عام ارامنه به صورتی علمی و غیرحکومتی در یکی از دانشگاه‌های ترکیه به بحث گذاشته شود. کنفرانس «ارمنی‌های عثمانی در خلال افول امپراتوری: مسائل مسئولیت علمی و دموکراسی» که قرار بود در اواخر ماه مه سال جاری در استانبول برگزار شود ولی به دلیل فشارهای مختلف به تعویق افتاد، در نهایت پس از چند ماه در اواخر سپتامبر سال جاری در دانشگاه بیلگی استانبول برگزار شد. حتی در آستانه افتتاح این کنفرانس تعدادی از احزاب افراطی راست و چپ، با تظاهراتی که در محل برگزاری نشست برگزار کردند، سعی در مختل کردن آن داشتند که این سعی آنها به نتیجه نرسید.

در آغاز قرار بود که این نشست با همکاری دانشگاه صابانچی در ساختمان دانشگاه بغازیچی تشکیل شد ولی به دنبال حکم یکی از دادگاه‌های استانبول بر لزوم تعویق آن تا بررسی‌های بیشتر، کمیته برگزاری تصمیم گرفت با تغییر محل نشست موجبات برگزاری‌اش را فراهم سازد، که موفق هم شد. دولت اردغان که نسبت به موانع ایجاد شده در راه این کنفرانس از سوی قوه قضاییه اعتراض کرده بود، با ارسال پیامی توسط عبدالله گل - وزیر خارجه ترکیه - که در این نشست خوانده شد، آن را واقعه‌ای «فوق‌العاده» مهم توصیف کرد.

حضور و مشارکت تعدادی از دانشگاهیان و روشنفکران معروف ترکیه چون مراد بلگه، خلیل برکتای، سلیم درینگیل، تانر آکچام، فاطمه میوگ گویچک، فکرت آدانیر و مته تونچای در این نشست در کنار گروهی از دانشمندان ارمنی، فضای جدیدی را از لحاظ کمک به نهادینه شدن دموکراسی و تساهل در ترکیه امروز گشود که ارزش و اهمیت آن بر بسیاری از ناظران تحولات جاری ترکیه پنهان نماند.

و این در حالی بود که نیروهای سنت‌گرای ترک از قوه قضاییه گرفته که به تعقیب قضایی برگزارکنندگان این نشست تهدید کرد، تا نهادهای تاریخ‌نگاری رسمی ترک که طرح



چنین مباحثی را «خیانت به وطن» توصیف کردند، از هیچ اقدامی در جهت جلوگیری از این نشست فروگذار نکردند.

در یک مرحله خودداری از دعوت یوسف حلاج اوغلو صدر «بنیاد تاریخ ترک» استانبول به این نشست، در دامن زدن به موج مخالفت-های اولیه پاره‌ای از نهادهای رسمی با این امر تأییری به سزا بر جای نهاد. حلاج اوغلو در واکنش به این تصمیم مدعی شد که برگزار کنندگان کنفرانس به «آغوش دیاسپورای ارمنی پناه برده‌اند» و به همین دلیل «آنهايي که بیانگر دیدگاه طرف ارمنی قضیه هستند دعوت شده‌اند ولی من نه. اگر من دیدگاه رسمی را بیان می‌کنم پس آنها نیز می‌توانند دیدگاه دیاسپورای ارمنی هستند.» چندی بعد خلیل برکتای در علل امتناع از دعوت حلاج اوغلو توضیح داد «نظریه رسمی درباره مسئله ارمنه، بیش از چند دهه است که در مقام ایدئولوژی رسمی دولت عمل می‌کند. اکثر ماها آن را جمله به جمله حفظ هستیم. برای همین نیازی به آن دیده نشد که حلاج اوغلو و دیگران به این کنفرانس دعوت شوند و ما را «ارشاد» کنند.»

او در ادامه افزود: آنها [نهادهای رسمی تاریخ نگاری ترکیه] نیز در کنفرانس‌هایی که در این زمینه برگزار می‌کنند از دعوت پژوهشگران مستقل امتناع می‌ورزند.

ولی همان گونه که خاطر نشان شد پس از چند ماه خط و نشان‌های مختلف کشیدن مقامات، که در یک مرحله علاوه بر انگیزختن اعتراض محافل دانشگاهی جهان غرب، مذاکرات جاری با اتحادیه اروپا را نیز تحت الشعاع قرار داده بود، بالاخره با برگزاری آن موافقت شد. کنفرانس مزبور برگزار و جز شکسته شدن یکی از تابوهای حاکم بر حیات فرهنگی ترکیه هیچ «اتفاق» دیگری نیافتاد. به گفته دکتر باسکمین اوران استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه آنکارا: «... مباحثی چون طبقه‌انقذاز آتاتورک، قبرس، سوسیالیسم، کمونیسم، و کردستان دیگر تابو نیستند. تنها تابویی که مانده بود وضعیت ارمنه بود که اینک آن نیز بیش از این تابو نیست.»

تاثر اکچام تاریخ پژوه ترک و یکی از چهره‌های مؤثر و پیشگام در لزوم طرح بحث قتل عام ارمنه در پیشگاه افکار عمومی ترکیه که در حال حاضر در دانشگاه مینوستای آمریکا تدریس می‌کند در توضیح گره اصلی این بحث خاطر نشان ساخت که: «... آموزش و پرورش ترکیه در نود سال گذشته جز بی‌اطلاعی از تاریخ معاصر دستاورد دیگری نداشته است. از آنجایی که تاریخ نگاری ناسیونالیستی ترکیه حوادث پیش از تاسیس جمهوری ترکیه و به ویژه وقایع ۱۹۱۵ را به بحث نگذاشته و حتی به آنها اشاره هم ندارد، با نوعی فراموشی اجتماعی روبرو هستیم. به دلیل الغاء القیای

دوره را چگونه می‌بینند، روایت کرده و تجربه می‌کنند.

خواهان فرایندی هستیم که در آن نه دولت‌ها و مقامات، بلکه خود مردم به تعامل بنشینند.»
برگزاری کنفرانس «ارمنی‌های عثمانی در خلال افول امپراتوری» گام مهمی در این جهت بود.

کاوه بیات

گفتگو ۱۶۲

انتخابات ناتمام باکو، نوامبر ۲۰۰۵

انتخابات پارلمانی جمهوری آذربایجان که باره‌ای از ناظران تحولات قفقاز آن را توان آزمایشی دشواری برای الهام علی‌اف و تشکیلات حاکمه او پیش‌بینی می‌کردند، در ۶ نوامبر ۲۰۰۵ به «خیر و خوشی» برگزار شد؛ البته به خیر و خوشی شرکت‌های نفتی صاحب سهم در این حوزه و معدود گروه‌های آذربایجانی بهره‌مند از این خوان گسترده.

سابقه فریزر مدیر برنامه قفقاز موسسه پژوهشی گروه بحران بین‌الملل (ICS) در گزارشی از این انتخابات ضمن اشاره به تخلفات گسترده حزب حاکم - بنی آذربایجان - از بی‌تفاوتی نسبی جامعه جهانی نسبت به این امر نیز خبر داده است.^۱ به نوشته وی این سکوت نسبی را می‌توان به معنای آن تلقی

عربی در خلال اصلاح خط سال ۱۹۲۸ و تغییر الفبا توده مردم از خواندن و کشف مجدد گذشته تاریخی خود محروم شده‌اند. این تغییر خط دولت را قادر ساخت که از طریق برگردان گزینشی میراث مکتوب ترکیه، فقط آن بخش از متون و اسنادی را منتشر کند که مؤید دیدگاه رسمی بودند. در نتیجه جامعه ترکیه در مورد گذشته‌اش بی‌خبر ماند.»

به عقیده اکچام در این بحث که اساسا بر سه محور قدرت تاریخ، خاطره و فراموش اجتماعی جریان دارد، به رغم تمامی اختلاف نظرها، یک خواست عمومی برای آگاهی از تحولات گذشته به چشم می‌خورد و «... بهترین راه دستیابی به گذشته فراهم آوردن مجموعه مشترکی از دانش است که به نحوی صریح و آشکار میان جوامع ترک و ارمنی تقسیم شده باشد. این مجموعه می‌تواند اسناد اولیه تاریخی (مکتوب و شفاهی) این دوره را از مآخذ ترک، آلمانی ارمنی، انگلیسی و غیره شامل شود.»

وی خاطر نشان کرد «برای آنهایی که در عین تعارض و رویارویی، خواهان تفاهم هستند، مهم آن است که بتوانند نحوه تفکر طرف مقابل را درک کنند. عامه ترک باید بفهمد که طرف ارمنی راجع به گذشته خود چگونه فکر می‌کند، به چه نحو آن را روایت می‌کند و به چه شیوه - ای با آن زندگی می‌کند. و به همین نسبت ارمنی‌ها باید مطلع شوند که ترک‌ها همین